

یکی در شایسته بکین  
یکی بر کوشش از نوسن  
نگار منج با با برکت  
کفای نامی صبا فخر آب  
عشان نرم جویند با کین  
دو کس هم را از دیند  
دو کس هم بر کس عطا  
بدرین وضع خویند با  
دران نگاه با دوست  
چین شکاه از کوه مند  
بران زور آوردن و حوا  
در آغوش تنایت در  
را کف خنجر خون سازیم

شرایع سرد در بچین  
بستانای در کازمان  
بروبال بر برارده از بوش  
کوش خورشید صبح  
زده بر که بر نه مین  
عموده زودید و صبور  
مترک یک کوی از دو کوا  
نظر با تماشا کام باید  
در نظاره بر روی کتا  
کماندم که مجلس کسند  
زند ز شورش کاه داد  
لبت از نهد کاه  
کی دستش کفک طالع

استیم هر دو دان  
خانهای میل و شوش  
فرا در آن غنای کار و ما  
کوه قلمم که سعادت  
برین راه را درم جویند  
اول صورت دور کوی  
حقیق از حیث کاه است  
صبر روش غدا مارون  
صدا و دیند با شایسته  
کلمه کلمه داور کف کس  
لوسی ما طلب مانی  
رهم افتاده بر خرو و ابو  
کم نشک حرف محبت  
استیم هر دو دان  
خانهای میل و شوش  
فرا در آن غنای کار و ما

King Saud University

King Saud University

Copyright © King Saud University